

۱۴۰۵ ۱۲۵

3

Strategies
of Genius

مهارت های ذهنی

جلد سوم
فروید، دایوینچی، تسلا

رابرت دیلتز
پویا امامی کردکندی

www.ketab.ir

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	فصل اول / زیگموند فروید
۱۵	زیگموند فروید / جست و جوی زیر ساخت
۱۷	قسمت اول / معرفت شناسی / هاید از مغز
۳۱	قسمت دوم / تحلیل فروید از لئوناردو داوینچی
۸۹	قسمت سوم / تحلیل فروید از مجسمه موسی ساخت میشل آنژ
۱۱۹	قسمت چهارم / استفاده و کاربرد استراتژی های فروید
۱۲۱	قسمت پنجم / کنکاش در زیر ساخت ها
۱۳۴	قسمت ششم / فرامدل
۱۴۸	قسمت هفتم / تاریخچه ی تغییر شخصیت
۱۶۹	قسمت هشتم / نوسازی معنا
۱۸۰	قسمت نهم / نوسازی نقش
۲۱۵	قسمت دهم / یکپارچه سازی تعارض های باورها و شخصیت
۲۳۹	قسمت یازدهم / فروید و نظریه ی خود سازماندهی
۲۸۳	قسمت دوازدهم / جمع بندی
۲۸۶	کتاب شناسی و مراجع فصل اول
۲۸۹	فصل دوم / لئوناردو داوینچی
۲۹۱	لئوناردو داوینچی / نگارش عالم کوچک

۲۹۳	قسمت اول / دانستن چگونه دیدن
۳۰۳	قسمت دوم / نگاره‌های لئوناردو از بدن
۳۱۰	قسمت سوم / مشاهده‌ی نظام‌مند
۳۱۵	قسمت چهارم / تخیل، افسار و عنان حواس
۳۲۱	قسمت پنجم / ساخت ابزار
۳۲۴	قسمت ششم / ساخت شاهکارها
۳۳۲	قسمت هفتم / کاربرد استراتژی لئوناردو
۳۴۴	قسمت هشتم / جمع‌بندی
۳۴۶	کتاب‌شناسی و مراجع فصل دوم
۳۴۹	فصل سوم / نیکولا تسلا
۳۵۱	نیکولا تسلا / تداوم بر چشم ذهن
۳۵۳	قسمت اول / ایده‌پردازی
۳۶۱	قسمت دوم / پرورش توانایی‌های بصری
۳۷۵	قسمت سوم / استفاده از استراتژی تسلا / ایده‌سازی
۳۷۹	قسمت چهارم / نتیجه‌گیری
۳۸۰	کتاب‌شناسی و مراجع فصل سوم
۳۸۱	فصل چهارم / جمع‌بندی
۳۸۳	جمع‌بندی
۳۹۶	کتاب‌شناسی و مراجع فصل چهارم

مقدمه

عنوان این سری کتاب‌ها مهارت‌های ذهنی است؛ اما به یقین کارهای انجام‌شده در آن‌ها بیشتر درباره‌ی معرفت است تا نبوغ. مطالعه‌ی مهارت‌های ذهنی میل شخصی بود، آرزویی برای معرفت که تقریباً دوازده سال پیش پدیدار شد، زمانی که برای نخستین بار با برنامه‌ریزی عصبی-بانی آشنا شدم. این آرزو نه تنها معرفت ذهن بود، تمنايي برای معرفت طبیعت، معرفت بدن، معرفت تخیل و معرفت قلب هم بود. معتقدم، تعالی حاصل پایبندی مصرانه‌ی فرد به دیدگاه خاص خودش است. برای خوب بودن در چیزی ابتدا باید ارتباطی درونی با دیدگاه و تمرکز خود داشت. این ارتباط روشی بسیار مهم برای یادگیری و رشد است، اما لزوماً خردمندانه نیست. در واقع، بعضی مواقع این ارتباط انعکاسی ناسازگار تولید می‌کند.

نبوغ از تلاشی مشتاقانه برای یکپارچه‌سازی چشماندازهای متفاوت به وجود می‌آید. برونسکی^۱ نویسنده‌ی کتاب *عروج انسان*^۲ بیان می‌کند: «جهت‌گیری است که دو ایده‌ی بزرگ داشته باشد» کار نابغه تلاش برای یکپارچه‌سازی آن‌ها است. هر گاه شخصی در چندین حوزه‌ی مختلف خبره شود، می‌تواند آن‌ها را با یکدیگر هم‌راستا کند. در این زمان، شخص به نبوغ دست پیدا می‌کند. ساختارهای عمیق ایده‌ها با جمع چشماندازهای مختلف پدیدار می‌شوند. هسته‌ی اساسی نبوغ، کشف زیرساخت موجود در اعماق ظواهر گوناگون و مختلف است.

معرفت از تلاشی بی‌شائبه برای درک چشماندازهای متفاوت به صورت دائم

حاصل می‌شود. از آن‌جا که جهان مدام در حال تغییر است، نمی‌توان فردا به پاسخ‌های دیروز اعتماد کرد. معرفت چیزی نیست که شخص انجام دهد یا به دست آورد، بلکه چیزی است که شخص در مسیر خودش در آن قرار می‌گیرد. به قول گری گوری بتسون انسان‌شناس:

«معرفت نشستن با یکدیگر و بحث صادقانه روی تفاوت‌ها بدون تلاش برای تغییر آن‌هاست.»

تلاش برای تغییر ذهنیت شخصی دیگر از جهان، نیاز به قضاوت آن ذهنیت دارد. هیچ شخصی به اندازه‌ای عالم نیست که بتواند ذهنیت درست را تشخیص دهد یا بتواند تمام آن‌ها را تو در توی نظام‌های دیگر را درک کند که ممکن است از رفتار شخص متأثر شوند. معرفت و تغییرات سازگاری، حاصل اکتشاف، خلاقیت و پیشنهاد انتخاب‌هایی دیگر است که از توسعه‌ی مداوم نقشی ذهنی فرد از جهان به کمک موارد زیر به دست می‌آید:

۱. درک تمام چشم‌اندازهای مرتبط با سامانه‌ی مورد تعامل؛
۲. درک و تنظیم تمام سطوح تجربه‌ی مرتبط با سامانه‌ی مورد تعامل؛
۳. توجه به تمام چارچوب‌های زمانی لازم برای ایجاد تغییری سازگار با سامانه‌ی مورد تعامل.

نوابغ در این مطالعه، علاوه بر این که ایده‌های جالب یا فناوری جدیدی در اختیار قرار می‌دهند، در گسترش نقشی ذهنی انسان از جهان به شیوه‌ای که در موارد فوق بیان شد نیز تأثیر دارند. دوجلد پیشین مهارت‌های ذهنی، استراتژی شناختی و فرایندهای تفکر پنج شخصیت مهم یعنی ارسطو، شرلوک هولمز سر آرتور کانان دوئل، والت دیزنی، ولفگانگ آمادوز موتسارت و آلبرت اینشتین را که هر کدام به نوعی نابغه بودند بررسی کرد. سه شخصیتی که در این جلد مطالعه می‌شوند یعنی زیگموند فروید، لئوناردو داوینچی و نیکولا تسلا، به همان اندازه جالب هستند. به هر حال، این کتاب بیوگرافی افراد نیست، بلکه روی رفتارها و کارکردهای خاصی از افراد به منظور مطالعه‌ی آن‌ها تمرکز دارد. هدف این کتاب بررسی تفکر آن‌ها

و بسیار مهم‌تر از آن مطالعه‌ی ساختار عمیق زیربنای تفکر، نظریه‌ها و اختراعاتی آن‌هاست.

همان‌طور که در جلد دوم در خصوص آلبرت اینشتین تلاش کردم، در خصوص این سه نابغه نیز هدف من تلاش برای ساده‌کردن و کاربردی‌تر کردن استراتژی تفکر و نظریه‌های آن‌هاست. به خصوص نظریه‌های زیگموند فروید با وجود این‌که بسیاری از نظریه‌ها محرک و عمیق نیستند، ممکن است، فقط به منظور حضور ذهن بیشتر لازم باشد بعضی بخش‌ها را دو مرتبه مطالعه کنید. در واقع، کاربردهای مربوط به بخش فروید بسیار شبیه دستورالعمل به نظر می‌رسد.

مان‌گونه که خواهید دید بخش وسیعی از این کتاب به فروید اختصاص داده شده است. در هر صورت، از ابتدا چنین طراحی نشده است بلکه قصد داشتم در حدود صد صفحه به فروید بنویسم، ولی وقتی شروع کردم هرچه بیشتر درباره‌ی او نوشتم (به ویژه بخش «ابرها») بیشتر متوجه شدم که چه نفوذ عمیقی در من و زمینه‌ی کاری من دارد. فروید، مقد بود که درمان‌های روانی و حتی جسمی با استفاده از زبان امکان‌پذیر است. زبان اساس بسیاری از شگردهای ان. ال. پی است. برای مثال، در ابداع شگرد نوسازی نشانه‌ها، فروید تأثیر بسیاری گرفته‌ام. رسالت موجود در ورای گرایش به این کار، یکی از اهداف من در صرف زمان زیاد روی فروید بود، یعنی گسترش ذهنیت‌ها به اندازه‌ای که در کار او بود. تصمیم گرفته بودم و زمان آن رسیده بود که یک نفر توضیح دهد چرا و چگونه این‌ها به روان‌تحلیلی از چشم‌انداز ان. ال. پی عملی هستند و چرا و چگونه روش‌های ان. ال. پی از چشم‌اندازهای روان‌تحلیلی عملی هستند. علاوه بر آن، مطابق نصیحت تسونامی، خواستم بحث کنم که ان. ال. پی چه چیزهایی می‌تواند به روش‌های فروید اضافه کند و روش‌های فروید چه چیزهایی می‌تواند به ان. ال. پی اضافه کند.

از دوران کودکی، با کارهای لئوناردو داوینچی و نیکولا تسلا آشنا بودم. پدرم وکیل مدافع و تحسین‌کننده‌ی مخترعان و ابداع‌کنندگان بزرگ جهان بود. بنابراین، لئوناردو به عنوان مقدس‌ترین مخترع، قهرمان او محسوب می‌شد و بخشی از آمال ما شده بود. از آن‌جا که زمینه‌ی حرفه‌ای پدرم الکترونیک پیشرفته بود، لذا با کارهای نیکولا تسلا کاملاً آشنا بود و مجموعه‌ای از مقاله‌های او را داشت که با تحسین

آن‌ها را مطالعه می‌کرد. (نظریه‌های تسلا بسیار پیشرفته بود و مجبور بود مقاله‌هایش را خودش بنویسد، چون شاگردان و دستیارانش منظور دقیق او را نمی‌فهمیدند.) به خوبی حیرت خودم را به خاطر می‌آورم وقتی که پدرم توضیح می‌داد چگونه می‌توان از امواج مغناطیسی که دیده نمی‌شوند برق تولید کرد. (یکی از فعالیت‌های علمی اولیه‌ی من تلاش برای ساختن سیم‌پیچ تسلا بود.)

اصلاً قصد ندارم به طور جزئی وارد محتوای کار دلوینچی و تسلا شوم. کاری متفاوت از کار فروید است. (و شاید برای خواننده نیز ساده‌تر است.) مانند جلدهای قبلی هدف از این سه مطالعه، ساخت ترکیب مناسبی است که به یکدیگر ارجاع داده می‌شوند، از طرفی دیگر لازم نیست این فصل‌ها به ترتیب خوانده شود و شاید بتوانید بخشی‌هایی از کتاب را رد کنید. همچنین از آن‌جا که فصل مربوط به فروید بیشتر است می‌توانید بخش‌هایی از آن را نیز رد کنید. برای مثال، بررسی فروید در بخش اصل دارد: بخشی روی نحوه‌ی تفکر او تمرکز کرده است و بخش دیگر روی کارهای کهن ابدی‌های او برای کشف راه‌حل و مدیریت تغییر در ارتباط با دغدغه‌های روانی عاطفه متمرکز شده است. اگر شما روانشناس یا درمان‌گر هستید بهتر است روی بخش کارهای متمرکز بیشتری داشته باشید. اگر برای شما نحوه‌ی تفکر فروید جالب‌تر از کاربرد نظریه‌های او در حل مشکل است، شاید بخواهید از تمام بخش کاربردها صرف‌نظر کنید یا بخش‌هایی به صورت انتخابی مطالعه کنید. گفته شده است که هدف واقعی آموزش عالی استاد گذاشتن نیست، بلکه جست‌وجوی چیزی است که آن‌ها به دنبال آن بودند. شما دعوت می‌کنم که نه تنها نبوغ افراد مطالعه‌شده در این کتاب، معرفت آن‌ها را ارزش دهید و یاد بگیرید. امیدوارم استراتژی‌هایی که در این کتاب ارائه کرده‌ام به شما کمک کنند تا در جست‌وجوی آنچه نوابغ به دنبال آن بوده‌اند موفق شوید و در رسیدن به هر آنچه می‌خواهید مفید باشد.

رابرت ب. دیلتز

کالیفرنیا، سانتا کروز

فوریه ۱۹۹۵